

ستون شهروند - خبرنگار در طول سال ۹۵ از جمله ستون هایی بود که به مخاطبان ایران در صفحه خوانندگان اختصاص داشت. آنها در این ستون مثل یک خبرنگار با حضور در متن یک رویداد که خود از نزدیک تجربه اش

کرده بودند گزارش خود را از آن رویداد برای ایران روایت می کردند. کاوه کهن و محمدعلی خرمی دو مخاطب ایران به سنت معمول پایان سال، بهار بهایی برای ما نوشته اند.

یادداشت

جان مان را به اعتدال بهار گره بزیم

محمدعلی خرمی

شهروند خبرنگار



تلاش زمین در طواف خورشید به ثمر نشسته، نورا امید بر سر ما و تاریکی شبهای زمستان فائق آمده و حالات تمام طبیعت، در جشن کمال زمین، جامه سبز شادمانی بر تن کرده است. زمین یک بار دیگر به دور خورشید گشته و به احسن الحال خود رسیده است. احسن الحال زمین وقتی رقم می خورد که این کره خاکی به نقطه «اعتدال بهاری» خود می رسد. زنده شدن زمین و جاری شدن امید در سرتاسر ذرات هستی، حاصل رسیدن به این اعتدال بهاری است. زمین در مسیر کمال حرکت کرده، به اعتدال رسیده و حال جشن حیات می گیرد. طبیعت سخاوتمندانه همه را در شادی خود شریک کرده و ما آدمها، آنچنان در عید طبیعت به شادی نشسته ایم که که انگار نوروز، عید آدم هاست. این طبیعت است که تازه می شود و نازگی اش را منصفانه با همه تقسیم می کند و گل لبخند را بر سیمای همه می نشاند.

تک تک افراد سرزمین آریایی، دارا و نادر، شهری و روستایی، عرب و کرد و بلوچ و لرو ترک و فارس یک حس مشترک دارند، حس خوب تازه شدن، حس خوب با هم بودن، حس خوب همدلی، حس خوب بخشیدن نامهربانی ها، حس خوب آشتی و صلح، حس خوب هدیه و عیدی، حس خوب از حال هم با خبر شدن.

این نوروز است که هوای سالم و سرشار از نوروزهای خوب را به ما هدیه می کند، اما جاری شدن حیات در رگ های طبیعت اگر عید ما هم نباشد بشارت دهنده عید ماست. طبیعت، به نوروز رسیدن را به ما می آموزد. مامی توانیم با تدبیر و امید، پایه پای طبیعت تازه شویم و این تازه شدن را عید بگیریم و سخاوتمندانه همه جهانیان را در شادی خود شریک کنیم، آنچنان که احساس کنند نوروز آنهاست.

طبیعت، روزهای سخت و تلخ زیادی را تجربه کرده است. زرد شدن و بیز زمین افتادن برگ های سبز در خنک رانیده، صدای جانسوز خرد شدن برگ های بی رمق را در زیر پای عابران بی تفاوت شنیده، تاریکی شب های بلند زمستان را تاب آورده، رگبار برف و باران را به جان خریده، اما آرام و آهسته در مسیر کمال و آزادی، گام به گام پیش رفته است. طبیعت برای رسیدن به اعتدال بهاری، نه از حرکت ایستاده و نه از نامهربانی ها ناامید شده و نه از مسیر منحرف؛ بلکه آهسته و پیوسته، با امید به آینده با برداشتن گام های تازه، گام های پیشین خود را تکمیل کرده و حالا به شادی نشسته است.

مردم ما هم در این سالها در مسیر کمال خود تلخی ها و سختی های زیادی را چشیده اند، ظالمانه تحریم شده اند، ناجوانمردانه مورد اتهام و افترا قرار گرفته اند، نامردمی ها چشیده اند، صدای خرد شدن استخوان های بهترین فرزندان خود را زیر چکمه های مستکبران شنیده اند، افتادن سروهای تنومند را در زیر گیار آتش و دود مستبدان به سوگ نشسته اند و گاهی در میانه راه در غم از دست دادن همسنگر و یار دیرینی نشسته اند، اما با امید به آینده، مهربانانه ایستاده و حق خود را در اوج نامهربانی ها طلب کرده اند.

طبیعت به مامی آموزد که رسیدن به اعتدال بهاری سر نوشت آنانی است که در برابر ناملایمت ها و ناروایی ها، ایستادگی می کنند و با وجود همه سختی ها امیدوارانه، گام اول را با گام دوم و گام دوم را با گام سوم تکمیل می کنند.

این ایستادگی و این امید، ما را به اعتدال بهاری می رساند. به روزی که می توانیم شادی مان را سخاوتمندانه حتی با آنان که مهربانی را از ما دریغ کردند تقسیم کنیم، من به آینده خوشبینم و در دلم حس شبیه آمدن نوروزهای کودکی ام می تراود. من نوروز را از عطر سمنوی نذری مردم محل، از قالی های خرسی که روی دیوارهای گلی کوچه پهن شده بود از باز شدن پنجره های اتاق پذیرایی مان و از تلاش مادر برای تمیز کردن خانه می فهمیدم.

بهاریه

این هفت رنگ بهتر زیستن

کاوه کهن

شهروند خبرنگار



این نوشته برای پایان اسفندماه سال ۱۳۹۶ نگاشته می شود، باشد به یاد کار چه بودم یا نبودم به امید لبخند های تان و با هم و برای هم بودنتان. اشتباه نکردید این نوشته اگر چه در این روزهای پایانی سال نگاشته شده است اما با تمام انرژی و امید به فردایی می نگرد که پیش روی ماست. مگر نه این است که همین سال ۱۳۹۶ به چشم بر هم زدنی به تحویل سال ۱۳۹۷ خواهد رسید و دوباره ما خواهیم ماند و کارنامه آنچه انجام داده ایم.

امسال سال ماست؛ سالی که خبرهای خوبش بیشمار است.



عکس: Pintrest

بی هیچ شک سال رنگ ها و تفاوت هایی است که کنار هم رنگین کمان یکدلی می سازند. اگر چه خود را روزنامه نگار نمی دانم اما تلاش می کنم در این مجال آینه ای باشم از آنچه در دانشگاه بزرگمان - جامعه - آموخته ام. با نماد رنگ ها در بهار شکوفایی ها و نو شدن ها زیر سایه درختی با ریشه های کهن به نام ایران که میوه هایش را به شیرینی قند می داند.

آبی: امسال رنگ همه حال و هواهای خوبی است که ما تنفس می کنیم از حال خوب آب و هوای کلانشهرها بگیریم تا بی غل و غشی هوای جنوب غرب و پرباری و بارانی شدن هوای کویر و سرزمین های کشت و زرع و... حال دل دریاچه هایمان هم خروشان از آب های موج است و میزبان پرند های مهاجر زبیا و حال شکار چیان هم آنقدر آفتابی باشد که تفنگ هایشان امسال آویزان دیوار اتاق بماند و دور بین هایشان به روی جان به سمت زیبایی طبیعت نشانه رود.

سبز: امسال رنگ تمام جوانانی باشد که بی تکلف و تجمل پیوند آسمانی شان را آغاز می کنند و می دانند که از آسمان و زمین برایشان خوش خبری و گشایش می بارد و کیست که رویش و آرامش را نپسندد. به رسم ساده زیستی و کسب رزق حلال که طعم خوش یکی شدن به تجربه کردن و با هم ساختن پله های آینده است. با امید به اعتماد بزرگترهایی که راه نشان می دهند اما رفتن و خطر کردن را به ما می سپارند.

قرمز: امسال رنگ همه شور و شادی هایی است که همه با هم برایشان ذوق می کنیم. پرچم دوست داشتنی مان را بر سر می گیریم و هواداری می کنیم، مردوزن، پیرو جوان و رقابت ها

ورفاقت ها بر سر همه برد و باخت ها و فریادهای ایران ایران برای همه و همیشه بردهایمان در عرصه های ورزشی، علمی و اقتصادی و... یک کلام ملی.

نارنجی: رنگ همه احترام هایی که به تفاوت ها می گذاریم از تفاوت های فرهنگ و زبان و عقیده تا تفاوت هایی که گاهی محدودیت ایجاد می کنند و اقلیت زامی شوند اما ما دست و پا و چشم و جان هموطنمان می شویم. تلاش می کنیم دسترسی به زندگی و هر چه امروز داریم برای همه یکسان شود. ترحم نمی کنیم، شعار نمی دهیم و ماهیگیری را به جای ماهی دادن انتخاب می کنیم و آموزش آن را هم به اهلس می سپاریم. امسال تمام انرژی مان را صرف می کنیم، معلولیت، آسیب دیده اجتماعی، طلاق، کودک کار، اعتیاد و... را بناسیم درک کنیم و مددکار هم باشیم به قدم و قلم و نه زبان.

فیروزه ای: رنگ همه حس و حال های خوب امسال است در وقت های نیایش، حال خوب گفت و گویا حضرت دوست، صاف شدن دل ها و شکرگزاری برای تمام آنچه که ثانیه به ثانیه پیش می رود و مقدر می شود، به نماز، روزه، دعا، زیارت و حتی لحظه ای درنگ در خلوت خویش.

سپید: رنگ نگارگری، نقشه ای از آینده ای است که نسل پنجمی، ششمی یا آن روزها را می بینند و آینده ایران عزیز را تصویر می کند. ما امروز آن را ترسیم می کنیم و فناوری و دانش روز را هر جا که باشد در اختیار می گیریم، تا میراثی که از ما می ماند دانایی و آبادانی و سربلندی باشد و سپردن میهنی سرسبز و شاداب به آیندگان. در این سال ما مطالبه گریم برای آنچه باید بشود و آنچه خود برای رفاه و زندگی بهترمان انتخاب کرده ایم.

بنفش: رنگ لبخند هایی است که ما به فردا می زنیم. ادبمان، اخلاقمان، اشتیاقمان برای زندگی بهتر و پرهیزمان از آنچه بشر را به تباهی می کشاند. این ها هر دشمنی را از دشمنی خسته خواهد کرد که ما مرد روزهای سختیم و پریا جاودان شدن لبخند ما بر صورت تک تک مان چه گل هایمان که پرپر و جاودان نشده اند و ما پادشاهان هستیم هر لحظه، بی فراموشی و مصلحت اندیشی که گذشته چراغ پیش روی ماست و مدبران شب و روزشان و احوالاتشان به یاری خداوند دل های آرام همیشه بهترین احوال است.

برایتان بهترین ها را در این بهارهای پی در پی زندگی آرزو مندم به امید شادی های بی پایان و دوری از رنگ های تیره و سیاه.

خوانندگان

www.iran-newspaper.com